

نظام انتخاباتی و تأثیر آن بر نظام حزبی در ایران

محمد باقر خرمشاد* دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۱۹
ابوذر رفیعی قهساره** پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۳۰

چکیده

احزاب سیاسی از جمله مهم‌ترین نهادهای سیاسی در نظام‌های دموکراتیک محسوب می‌شوند. در واقع، به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران دموکراسی بدون وجود احزاب سیاسی کارآمد و قوی بی‌معناست. علیرغم اهمیت احزاب سیاسی برای نظام‌های دموکراتیک متأسفانه در کشور ما احزاب سیاسی قدرتمند شکل نگرفته‌اند. ضعف احزاب سیاسی در کشور ما می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد که در تحقیقات و پژوهش‌های مختلف به برخی از این دلایل پرداخته شده است. اما یکی از فاکتورهای که می‌تواند تأثیرات عمیقی بر احزاب سیاسی و نظام حزبی در هر کشور بگذارد ولی در تحقیقات صورت گرفته در کشورمان به آن پرداخته نشده است فاکتور نظام انتخاباتی است. این در حالی است که به اعتقاد صاحب نظران مسایل احزاب و دموکراسی، نظام انتخاباتی مورد استفاده در هر کشور از جمله مهمترین عوامل شکل دهنده به نظام حزبی در هر کشور می‌باشد. در این مقاله تلاش شده تا ضمن معرفی انواع مختلف نظام‌های انتخاباتی، نوع نظام انتخاباتی به کار رفته در انتخابات مجلس شورای اسلامی مشخص شده و تأثیر این نظام انتخاباتی بر وضعیت احزاب سیاسی در جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی

احزاب سیاسی، نظام‌های انتخاباتی، نظام انتخاباتی دو مرحله‌ای، انتخابات مجلس شورای اسلامی

بی‌شک یکی از مهم‌ترین ارکان نظام‌های سیاسی دموکراتیک، احزاب سیاسی هستند. اهمیت احزاب سیاسی برای نظام‌های دموکراتیک به اندازه‌ای است که از آن‌ها به عنوان «موتور محرک دموکراسی» یاد می‌شود، موتوری که بدون آن چرخ دموکراسی به حرکت در نخواهد آمد (keman, 2011, p.1263). به همین دلیل، علیرغم اینکه اختلاف نظر گسترده‌ای در مورد خاستگاه، ویژگی‌ها و کارکردهای احزاب سیاسی وجود دارد، تمامی صاحب‌نظران در مورد اینکه احزاب سیاسی برای دموکراسی ضروری و حیاتی هستند، اتفاق نظر دارند (نوذری، ۱۳۸۱، ص ۴۹؛ هیوود، ۱۳۸۹، ص ۳۵۰).

به عبارت دیگر، بدون وجود احزاب سیاسی، دموکراسی ناقص و ناکارآمد خواهد بود. احزاب سیاسی کار ویژه‌های بسیار حیاتی و پراهمیتی (نظیر تجمیع منافع، ادغام در نظام سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی، بسیج رای دهندگان، پرورش رهبران سیاسی، نمایندگی، پشتیبانی و دفاع از منافع افراد و گروه‌ها) دارند و با انجام این کار ویژه‌ها بخش قابل توجهی از مشکلات و معضلات سیاسی را که یک کشور ممکن است با آن‌ها دست به‌گریبان باشد حل و فصل می‌نمایند (هیوود، ۱۳۸۹، ص ۳۶۲؛ Keman, 2011, pp.1264-1265).

در صورتی که احزاب سیاسی در یک کشور فعال و قدرتمند نباشند، نتیجه آن تحمیل یک بار اضافی بر نظام سیاسی حاکم خواهد بود، زیرا در این حالت نظام سیاسی مجبور خواهد شد وظایف و کارکردهای احزاب سیاسی را نیز خود انجام داده و به این ترتیب فشارهای غیر ضروری بر سیستم سیاسی وارد شده و آن را با مشکل مواجه خواهد نمود. اما چنانچه در کشوری احزاب سیاسی فعال و قدرتمند باشند نتیجه آن تثبیت دموکراسی و توسعه سیاسی آن کشور خواهد بود (نوذری، ۱۳۸۱، ص ۹۰؛ Keman, 2011, pp.1264-1265).

متأسفانه، علیرغم اهمیت بسیار زیاد احزاب سیاسی برای توسعه سیاسی و تقویت و تحکیم دموکراسی، در کشور ما هیچگاه احزاب سیاسی قدرتمند با ویژگی‌هایی که برای احزاب سیاسی ضروری است (نظیر فعالیت مستمر و دائمی، فعالیت گسترده در سطح کشور و داشتن شعباتی در بخش عمده کشور و غیره) شکل نگرفتند. احزاب سیاسی در ایران بیشتر «ستادهای انتخاباتی» بودند که در آستانه انتخابات شکل گرفته و بلافاصله پس از اعلام نتایج انتخابات از هم می‌پاشیدند. در واقع، احزاب سیاسی در ایران سازمان‌هایی بودند که توسط یک یا چند کاندیدا و صرفاً با اهداف انتخاباتی شکل می‌گرفتند و بلافاصله پس از پایان

انتخابات منحل شده و یا فعالیت‌های آن‌ها تا انتخابات بعدی به حالت تعلیق در می‌آید. بنابراین، می‌توان گفت در ایران هیچ‌گاه احزاب سیاسی به معنای واقعی شکل نگرفتند. این مسئله پیامدهای نامطلوبی برای دموکراسی نوپای ایران در پی داشته و حتی در مواقعی سیستم سیاسی را با مشکلات و معضلاتی مواجه نموده است.

ضعف احزاب سیاسی در ایران می‌تواند دلایل و علل متفاوت و متعددی داشته باشد و محققین مختلف، دلایل متفاوتی برای این مسئله ذکر کرده‌اند. با این حال، یکی از عواملی که می‌تواند تأثیرات عمیقی بر احزاب سیاسی و نظام حزبی در هر کشور بگذارد اما در تحقیقات صورت گرفته در کشورمان به آن پرداخته نشده، نظام انتخاباتی است. این در حالی است تحقیقات صورت گرفته توسط محققین مختلف در کشورهای متعدد حاکی از آن است که نوع نظام انتخاباتی به کار رفته در هر کشور دموکراتیک همواره یکی از مهم‌ترین عوامل شکل دهنده به وضعیت احزاب سیاسی و نظام حزبی در آن کشور می‌باشد (برای نمونه رجوع کنید به: دورژه، ۱۳۸۹؛ Neto, 1997, p.149; Caramani, 2008, p.250; Sartori, 1967, p.240).

۱. تأثیر نظام‌های انتخاباتی بر احزاب و نظام‌های حزبی

همانطور که اشاره شد از نظر محققین یکی از مهم‌ترین عوامل شکل دهنده به احزاب و نظام‌های حزبی در هر کشور نوع نظام انتخاباتی به کار رفته در آن کشور می‌باشد. برخی از مهم‌ترین تأثیرات نظام‌های انتخاباتی بر نظام‌های حزبی به شرح زیر می‌باشند:

۱-۱. وجود یا عدم وجود احزاب سیاسی و ضعف یا قوت آن‌ها

همانگونه که دیوید فارل در کتاب «نظام‌های انتخاباتی» اشاره می‌کند در این رابطه می‌توان نظام‌های انتخاباتی را به دو دسته تقسیم کرد:

الف: نظام‌های انتخاباتی کاندیدا محور

ب: نظام‌های انتخاباتی حزب محور (Farell, 2011, pp.165-166).

به اعتقاد فارل به کارگیری نظام‌های انتخاباتی کاندیدا محور در کشورهایی که در آن‌ها احزاب سیاسی ضعیف هستند و یا به تازگی شکل گرفته‌اند، ضعف و ناتوانی احزاب سیاسی را تقویت خواهد کرد. همچنین از دیدگاه وی به کارگیری نظام‌های انتخاباتی کاندیدا محور در کشورهایی که دارای احزاب قدرتمند هستند باعث کاهش نقش و اهمیت احزاب در عرصه سیاسی خواهد شد. در مقابل، به نظر او به کارگیری نظام‌های انتخاباتی حزب محور،

یعنی آن دسته از نظام‌های انتخاباتی که در آن‌ها احزاب سیاسی نقش اصلی را در انتخابات ایفا می‌کنند، چه در دموکراسی‌های نوپا که احزاب ضعیفی دارند و چه در دموکراسی‌های قدیمی که دارای احزاب سیاسی قدرتمندی هستند، باعث تقویت نقش، جایگاه و اهمیت احزاب سیاسی در حیات سیاسی خواهد شد (Farrell, 2011, pp.159-170).

۲-۱. تعداد احزاب سیاسی

یکی دیگر از جنبه‌های تأثیرگذاری نظام‌های انتخاباتی بر نظام‌های حزبی، تعداد احزاب سیاسی است. این رابطه نخستین بار توسط موريس دوورژه اندیشمند فرانسوی مطرح شد. دوورژه این رابطه را در قالب دو اصل، که به «قوانین دوورژه» معروف شده‌اند، بیان می‌کند: قانون اول اینکه، نظام‌های انتخاباتی غیرتناسبی تک مرحله‌ای (مخصوصاً نظام اکثریتی ساده) باعث شکل‌گیری نظام دو حزبی خواهند شد و قانون دوم اینکه، نظام‌های تناسبی و نظام‌های اکثریتی دو مرحله‌ای سبب شکل‌گیری نظام‌های چند حزبی می‌شوند (Caramani, 2008, p.250).

پس از طرح این «قوانین» توسط دوورژه بحث‌های زیادی در رابطه با درستی یا نادرستی آن‌ها در میان عالمان سیاسی درگرفت، بحث‌هایی که حتی تا به امروز ادامه یافته است. شاهد این مدعا حجم عظیمی از کارهای پژوهشی و تحقیقاتی است که با هدف ارزیابی قوانین دوورژه به انجام رسیده‌اند.

با این حال، تقریباً صاحب نظران معتقد به وجود نوعی ارتباط بین نوع نظام انتخاباتی یک کشور و تعداد احزاب سیاسی آن کشور هستند، هر چند در مورد کم و کیف این ارتباط با یکدیگر اختلاف نظر دارند. (برای نمونه رجوع کنید به (Lijphart, Katz, 1997, pp.202-210)؛ (Norris, 2004, p.85; 1995).

۳-۱. برنامه‌ها و استراتژی‌های احزاب سیاسی و کاندیداهای آن‌ها

از دیگر بخش‌های مرتبط با احزاب سیاسی که تحت تأثیر نظام‌های انتخاباتی است، برنامه‌ها و استراتژی‌های احزاب سیاسی می‌باشد. به اعتقاد پپا نوريس «حد نصاب انتخاباتی» که یکی از ارکان مهم هر نظام انتخاباتی است و به معنای حداقل آرای است که یک حزب برای ورود به پارلمان باید به دست بیاورد، نقش مهمی در تعیین برنامه‌ها و استراتژی‌های حزبی دارد (Norris, 2004, pp.96-97). از سوی دیگر، نوريس عنوان می‌کند «ساختار برگه‌های رای دهی»،

که یکی دیگر از اجزای مهم هر نظام انتخاباتی است، نیز بر برنامه‌های ارائه شده توسط کاندیداهای احزاب تأثیرگذار است (Norris, 2004, pp.98-99).

۴-۱. گزینش کاندیداهای توسط احزاب سیاسی

نظام‌های انتخاباتی همچنین بر نحوه گزینش کاندیداهای انتخاباتی توسط احزاب تأثیر می‌گذارند (Farell, 2011, p.156; Norris, 2004, p.86). در برخی از نظام‌های انتخاباتی، افراد می‌توانند به صورت مستقل کاندیدای انتخابات شوند. بنابراین در این نوع نظام‌های انتخاباتی افراد برای کاندیدا شدن الزامی به قرار گرفتن در لیست‌های حزبی ندارند و نقش احزاب سیاسی در گزینش کاندیدا چندان پررنگ نیست. برعکس، در آن دسته از نظام‌های انتخاباتی که حزب محور هستند، یعنی رای دهندگان فقط به لیست‌های حزبی رای می‌دهند، نقش احزاب در گزینش کاندیداهای بسیار مهم است و کاندیداهای حتماً بایستی در لیست‌های انتخاباتی احزاب قرار بگیرند و از سوی احزاب به عنوان کاندیدا معرفی شوند (Ibid).

از سوی دیگر، گزینش کاندیداهای توسط احزاب سیاسی ارتباط نزدیکی با برنامه و استراتژی انتخاباتی احزاب (که در قسمت قبلی به آن اشاره شد) دارد. چنانچه برنامه یک حزب عام‌گرایانه باشد و یک حزب برای پیروزی نیازمند جلب آرای طیف‌های مختلف و ناهمگونی از رای دهندگان باشد، آن حزب سعی خواهد کرد کاندیداهای خود را نیز متناسب با آن، از گروه‌های مختلف انتخاب کند. برعکس، چنانچه برنامه و استراتژی کلی یک حزب خاص‌گرایانه باشد و هدف از ارائه آن جلب آرای بخش خاص و مشخصی از رای دهندگان باشد، آن حزب خواهد کوشید با نحوه گزینش کاندیداهای خود هدف برنامه را تقویت کند، بدین معنا که در چنین مواردی احزاب کاندیداهای خود را از میان یک گروه خاص بر می‌گزینند و لزومی برای گزینش کاندیداهای از بین طبقات و طیف‌های مختلف نمی‌بینند (Farell, 2011, p.156; Norris, 2004, pp.89-91).

به این ترتیب، می‌توان گفت حالت اول علاوه بر تعدیل برنامه‌های حزبی، باعث تنوع کاندیداهای احزاب نیز خواهد شد و حالت دوم علاوه بر افراطی و خاص‌گرایانه نمودن برنامه‌های حزبی، موجب یک دست شدن کاندیداهای معرفی شده توسط احزاب سیاسی نیز می‌گردد.

۵-۱. وفاداری‌های حزبی

پیپا نوریس در کتاب «مهندسی انتخابات» براساس داده‌های انتخاباتی به دست آمده از کشورهای مختلف در حال توسعه، صنعتی و پسا صنعتی اقدام به بررسی رابطه نوع نظام انتخاباتی و وفاداری‌های حزبی می‌کند. نتیجه تحقیق وی حاکی از رابطه معنادار بین نوع نظام انتخاباتی و وفاداری‌های حزبی است. بر این اساس در نظام‌های انتخاباتی اکثریتی که در آن‌ها احزاب سیاسی بیشتر به برنامه‌های عام‌گرایانه روی می‌آورند میزان وفاداری‌های حزبی ۶۳ درصد، در نظام‌های تناسبی که احزاب بیشتر به استراتژی‌های خاص‌گرایانه متمایلند این میزان ۷۷ درصد و در نظام‌های مختلط که بین دو نظام انتخاباتی اکثریتی و تناسبی جای می‌گیرند این رقم ۷۶ درصد بوده است و این به معنای وجود ارتباط معنادار بین نوع نظام انتخاباتی و وفاداری‌های حزبی است (Norris, 2004, pp.140-144). البته نوریس به این نکته نیز اشاره دارد که در کنار نظام انتخاباتی عوامل دیگری نیز در تعیین میزان وفاداری‌های حزبی دخیل هستند، با این حال به اعتقاد وی بی‌شک نظام انتخاباتی نقش مهم و برجسته‌ای در میزان وفاداری‌ها و وابستگی‌های شهروندان به احزاب سیاسی دارد (Ibid).

۲. نظام‌های انتخاباتی چیستند؟

نظام‌های انتخاباتی را می‌توان مجموعه‌ای از قوانین و مقررات دانست که بر اساس آن‌ها آرای که در یک انتخابات عمومی به صندوق انداخته شده است به کرسی‌هایی تبدیل می‌شوند که احزاب و کاندیداها آن‌ها را اشغال می‌کنند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۲۵؛ نوذری، ۱۳۸۱، ص ۱۶۲). در واقع نظام‌های انتخاباتی بر اساس آرای که رای دهندگان به صندوق‌های رای انداخته‌اند پیروز انتخابات را مشخص می‌کنند و تعیین می‌کنند که هر حزب یا گروه سیاسی باید چه سهمی از قدرت سیاسی داشته باشد (لاندل، ۱۳۸۹، ص ۳۱). در «دانشنامه علوم سیاسی» نظام انتخاباتی عبارت دانسته شده است از «مجموعه‌ای از قوانین و مقررات که نحوه انتخاب نمایندگان مردم را مشخص می‌کنند» (Yon, 2011, p.488).

آرند لیجفارت نیز در کتاب «نتایج سیاسی نظام‌های انتخاباتی»، نظام‌های انتخاباتی را عبارت می‌داند از «مجموعه روش‌هایی که شهروندان برای انتخاب نمایندگان خود به کار می‌گیرند. در واقع نظام‌های انتخاباتی نحوه تخصیص کرسی‌ها را بر مبنای آرا مشخص

می‌کنند» (Lijphart, 1986, p.12). اکثر محققان نظام انتخاباتی را متشکل از سه جز می‌دانند. از نظر داگلاس رائی مهم‌ترین اجزای هر نظام انتخاباتی عبارتست از:

(۱) فرمول انتخاباتی: یعنی اینکه آیا نظام انتخاباتی مورد استفاده اکثریتی است، تناسبی است، مختلط است و یا از نوع دیگری؛ و اینکه چه فرمول ریاضی‌ای برای توزیع کرسی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

(۲) ساختار برگه رای دهی: یعنی اینکه آیا رای دهندگان به یک نامزد رای می‌دهند یا به یک حزب؛ و آیا رای دهنده در برگه رای دهی فقط یک حق انتخاب دارد یا مجموعه‌ای از الویت‌ها را تعیین می‌کند.

(۳) وسعت حوزه‌های انتخابیه: به این معنا که از هر حوزه انتخابیه چه تعداد نماینده انتخاب می‌شود (Rae, 1976, p.25؛ لاندل، ۱۳۸۹، ص ۳۱؛ رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۲۱). البته لیجفارت از جزء چهارمی نیز نام می‌برد و آن حد نصاب انتخاباتی است. حد نصاب انتخاباتی به معنای حداقل آرای است که یک کاندیدا و یا حزب برای پیروزی در انتخابات باید به دست بیاورد (Lijphart, 1995, p.412).

۳. انواع نظام‌های انتخاباتی و کاربرد آن‌ها در سطح جهان

تعداد نظام‌های انتخاباتی بی‌شمار است (Farell, 2011, pp.4-5). با این حال بر اساس چهار فاکتور پیش گفته، یعنی فرمول انتخاباتی، ساختار برگه‌های رای دهی، وسعت حوزه‌های انتخابیه، و حد نصاب انتخاباتی می‌توان نظام‌های انتخاباتی رایج را به چهار شاخه اصلی و دوازده شاخه فرعی تقسیم کرد (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۵۵؛ هیوود، ۱۳۸۹، ص ۳۴۲). بر اساس فرمول انتخاباتی مورد استفاده می‌توان نظام‌های انتخاباتی را به چهار دسته کلی تقسیم کرد. این چهار دسته عبارتند:

(الف) نظام‌های اکثریتی، (ب) نظام‌های تناسبی، (ج) نظام‌های مختلط و (د) سایر نظام‌ها

۳-۱. نظام‌های اکثریتی

قاعده نظام‌های اکثریتی بسیار ساده است. پس از آنکه آرا به صندوق انداخته شد و شمارش آرا صورت گرفت، آن کاندیداها یا احزابی که در حوزه انتخابیه خود بیشترین آرا را کسب کرده باشند پیروز انتخابات معرفی می‌شوند (Farell, 2011, p.15; Evans, 2009, pp.98-99). با

این حال، شیوه‌های تحقق این قاعده در عمل شکل‌های گوناگونی به خود می‌گیرد و بر این اساس می‌توان پنج نوع نظام اکثریتی را از هم باز شناخت:

(۱) نظام اکثریتی ساده یا نسبی (۲) نظام رای دسته جمعی (۳) نظام رای دسته جمعی حزبی (۴) نظام رای بدیل و (۵) نظام دو مرحله‌ای (Ibid)

۳-۱-۱. نظام اکثریتی ساده یا نسبی^۱

این نظام انتخاباتی، ساده‌ترین شکل نظام‌های اکثریتی است. شیوه انتخاب نمایندگان در این نظام به این صورت است که ابتدا کل کشور به تعداد زیادی حوزه انتخابیه تک نماینده‌ای تقسیم می‌شود، سپس فهرست اسامی کاندیداهای هر حوزه در اختیار رای دهندگان همان حوزه قرار می‌گیرد. در مرحله بعد رای دهندگان از میان اسامی کاندیداها یک کاندیدا را انتخاب می‌کنند و نام وی را روی برگه رای دهی می‌نویسند و یا جلوی نام وی علامت می‌گذارند. کاندیدای پیروز در هر حوزه کسی است که نسبت به سایر کاندیداها بیشترین آرا را در آن حوزه از آن خود نموده باشد (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۵۵؛ ایوبی، ۱۳۸۲، صص ۲۶۵-۲۶۶).

۳-۱-۲. نظام رای دسته جمعی یا گروهی^۲

نحوه انتخاب نمایندگان در این نظام انتخاباتی به این ترتیب است که ابتدا کل کشور توسط نهادی که مسئول ترسیم مرزهای انتخاباتی است به تعداد زیادی حوزه انتخابیه چند نماینده‌ای تقسیم می‌شود. سپس اسامی کاندیداهای هر حوزه انتخابیه در اختیار رای دهندگان آن حوزه قرار می‌گیرد. رای دهندگان از میان این اسامی، متناسب با تعداد نمایندگان آن حوزه، تعدادی را بر می‌گزینند و اسامی آن‌ها را بر روی برگه‌های رای دهی می‌نویسند. کاندیداهای پیروز در هر حوزه کسانی هستند که نسبت به سایر کاندیداها رای بیشتری کسب کرده باشند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۷۰؛ لاندل، ۱۳۸۹، ص ۴۱).

۳-۱-۳. نظام انتخاباتی رای دسته جمعی حزبی^۳

شیوه انتخاب نمایندگان در نظام انتخاباتی رای دسته جمعی حزبی به این شکل است که ابتدا کشور به حوزه‌های انتخابیه متعدد تقسیم می‌شود و سپس هر حزبی که مایل به شرکت در انتخابات آن حوزه است، لیستی از کاندیداهای خود در آن حوزه ارائه می‌کند. رای دهندگان

از میان لیست‌های حزبی مختلف یک لیست را انتخاب می‌کنند. هر لیستی که نسبت به سایر لیست‌های حزبی آرای بیشتری به دست آورد پیروز انتخابات آن حوزه است و کاندیداهای آن لیست به عنوان نمایندگان آن حوزه به پارلمان راه می‌یابند (Colomer, 2004, p.62).

۳-۱-۴. نظام انتخاباتی رای بدیل^۴

در نظام انتخاباتی رای بدیل ابتدا کل کشور به تعداد زیادی حوزه انتخابیه تک نماینده‌ای تقسیم می‌شود. سپس لیست کاندیداهای هر حوزه انتخابیه در اختیار رای دهندگان آن حوزه قرار می‌گیرد. اما رای دهندگان به جای انتخاب یک نفر از کاندیداهای این لیست، بایستی اقدام به رتبه‌بندی کل کاندیداهای لیست کنند. به این معنا که اگر در یک حوزه انتخابیه پنج نفر کاندیدا شده‌اند، هر یک از رای دهندگان آن حوزه موظف است به هنگام رأی دهی نام این پنج نفر را، به دلخواه خود، به ترتیب از یک تا پنج در برگه رای دهی بنویسد (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۷۳). همچنین در نظام انتخاباتی رای بدیل کاندیدای پیروز باید اکثریت مطلق آرا را به دست آورد، به این معنا که کاندیدای پیروز هر حوزه انتخابیه کسی است که نصف به علاوه یک الویت‌های اول رای دهندگان را از آن خود نماید. چنانچه هیچ کاندیدایی نتواند اکثریت مطلق الویت‌های اول را از آن خود نموده باشد کاندیدایی که کمترین الویت اول را کسب کرده است از شمارش آرا حذف شده و آرای او بین کاندیداهای باقیمانده تقسیم می‌شود، این فرآیند آنقدر تکرار می‌شود تا بالاخره یکی از کاندیدها اکثریت مطلق الویت‌های اول را از آن خود نماید و به عنوان پیروز انتخابات معرفی شود (Farell, 2011, pp.50-55).

۳-۱-۵. نظام انتخاباتی دو مرحله‌ای^۵

ویژگی اصلی نظام انتخاباتی دو مرحله‌ای، همانطور که از نام آن بر می‌آید، عبارت است از این که انتخابات نه در یک مرحله بلکه در دو مرحله، که اغلب به فاصله یک یا دو هفته از یکدیگر برگزار می‌شوند، صورت می‌گیرد (ایوبی، ۱۳۸۲، ص ۲۶۹؛ رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۷۶). در مرحله نخست معمولاً از نظام اکثریتی ساده استفاده می‌شود، با این حال، این امکان وجود دارد که در حوزه‌های انتخابیه چند نماینده‌ای در مرحله نخست از نظام رای دسته جمعی یا نظام رای دسته جمعی حزبی نیز استفاده شود.

چنانچه در مرحله نخست کاندیدا یا حزبی بتواند به اندازه حد نصاب تعیین شده (که معمولاً اکثریت مطلق آرای معتبری است که به صندوق ریخته شده)، رای کسب کند در همان

مرحله نخست انتخاب می‌شود. با این حال، در صورتی که در مرحله نخست هیچ یک از کاندیداها و یا احزاب موفق به کسب رای به اندازه حد نصاب تعیین شده، نشوند آنگاه مرحله دوم رای‌گیری برگزار می‌شود و پیروز این مرحله به عنوان کاندیدا یا حزب منتخب معرفی می‌گردد (Amy, 2000, p.75).

۲-۳. نظام‌های انتخاباتی تناسبی

اصل بنیادین تمامی نظام‌های انتخاباتی تناسبی این است که سهم هر حزب از قدرت سیاسی، بایستی متناسب با سهم آن حزب از آرا باشد. در واقع نظام‌های انتخاباتی تناسبی تلاش می‌کنند مشکل عدم تناسبی را که در نتیجه به کارگیری نظام‌های اکثریتی ممکن است ایجاد شود، بر طرف کنند (Farell, 2011, p.64; Evans, 2009, p.99).

نظام‌های انتخاباتی تناسبی به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

(۱) نظام تناسبی لیستی و (۲) نظام تک رای قابل انتقال

۱-۲-۳. نظام تناسبی لیستی^۶

نظام انتخاباتی تناسبی لیستی در حوزه‌های انتخابیه چند نماینده‌ای کاربرد دارند (Farell, ibid). در این نوع نظام انتخاباتی هر حزبی که مایل باشد در انتخابات مشارکت کند می‌تواند لیستی متشکل از کاندیداها را برای هر حوزه انتخابیه چند نماینده‌ای ارائه نماید. سپس رای دهندگان از میان لیست‌های ارائه شده توسط احزاب سیاسی دست به گزینش می‌زنند و بهترین لیست را انتخاب می‌کنند. پس از شمارش آرا و مشخص شدن سهم هر حزب از آرا، کرسی‌های پارلمان به تناسب آرای که هر یک از احزاب کسب کرده‌اند بین آن‌ها توزیع می‌شود (Colomer, 2011, p.487).

۲-۲-۳. نظام تک رای قابل انتقال^۷

این نظام انتخاباتی در حوزه‌های انتخابیه‌ای که وسعت آن‌ها بیش از یک است قابلیت کاربرد دارد (لاندر، ۱۳۸۹، ص ۵۴). در این نظام هم به مانند نظام انتخاباتی رای بدیل، رای دهندگان روی برگه‌های رای دهی کاندیداها معرفی شده توسط احزاب سیاسی را به ترتیب الویت مورد نظر خود رتبه بندی می‌کنند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۸۸). پس از آنکه تعداد کل رای‌های یک حوزه شمارش شد براساس آن، شاخص یا حد نصاب رای که برای پیروزی

هر کاندیدا لازم است مشخص می‌گردد. این شاخص معمولاً از طریق تقسیم کل آرای یک حوزه بر تعداد کرسی‌های اختصاص یافته به آن حوزه مشخص می‌شود که به این شاخص، «شاخص دروپ» می‌گویند (البته شاخص‌هایی دیگری هم به غیر شاخص دروپ وجود دارد). هر کاندیدایی که برابر یا بالاتر از این شاخص در الویت اول رای دهندگان قرار گرفته باشد انتخاب خواهد شد. در شمارش‌های دوم و بعدی، آرای مازاد کاندیداهای انتخاب شده، طبق الویت‌های دوم بر گه‌های رای، بین کاندیداهای باقیمانده توزیع می‌شود. اما چنانچه کاندیدای پیروز آرای مازادی فراتر از شاخص تعیین شده نداشته باشد، کاندیداهایی که کمترین میزان آرا را در مجموع آرا کسب کرده است حذف می‌شود و سپس آرای او در شمارش‌های بعدی به نفع کاندیداهای باقیمانده بر طبق الویت‌های دوم و بعدی باز توزیع می‌شود. این فرآیند آنقدر ادامه می‌یابد تا تمامی کرسی‌های آن حوزه انتخابیه را کاندیداهایی که به اندازه شاخص تعیین شده رای کسب کرده‌اند پر کنند و یا تعداد کاندیداهایی که در شمارش باقی مانده‌اند فقط یکی بیشتر از تعداد کرسی‌هایی باشد که باید پر شوند که در این حالت تمامی کاندیداهای باقیمانده به غیر از یکی از آن‌ها بدون رسیدن به شاخص انتخاب می‌شوند (Farrell, 2011, pp.199-120).

۳-۳. نظام‌های انتخاباتی مختلط یا تلفیقی

نظام‌های انتخاباتی مختلط می‌کوشند ویژگی‌های مثبت نظام‌های اکثریتی و تناسبی را با هم ترکیب کنند (Farrell, 2011, p.93). در واقع در تمامی انواع نظام‌های انتخاباتی مختلط دو نظام انتخاباتی (اکثریتی و تناسبی) که هر کدام از فرمول متفاوتی برای تبدیل آرا به کرسی‌ها استفاده می‌کنند در کنار هم قرار می‌گیرند (Ibid).

نظام‌های مختلط یا تلفیقی هم دو شکل مختلف دارند:

(الف) نظام انتخاباتی موازی و (ب) نظام انتخاباتی تناسبی مبتنی بر اعضای مختلط

(Evans, 2009, pp.101-102).

۳-۳-۱. نظام انتخاباتی موازی^۸

یکی از انواع نظام‌های انتخاباتی مختلط نظام موازی است. در نظام موازی، تکلیف کرسی‌های پارلمان از طریق دو فرمول مختلف (اکثریتی و تناسبی) مشخص می‌گردد (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۰۰). همانطور که از نام این نظام بر می‌آید، در نظام موازی این دو فرمول مستقل

از هم و به موازات هم عمل می‌کنند، یعنی تکلیف بخش معینی از کرسی‌های پارلمان از طریق یکی از انواع نظام‌های اکثریتی (معمولا اکثریتی ساده) مشخص می‌شود و تکلیف بخش دیگری از کرسی‌ها پارلمان از طریق یکی از انواع نظام‌های تناسبی (معمولا تناسبی لیستی). این دو فرمول تأثیری در نتایج یکدیگر نمی‌گذارند. بنابراین نتیجه حاصل از یکی از این فرمول‌ها در توزیع کرسی‌های فرمول دیگر اثری ندارد (لاندل، ۱۳۸۹، ص ۱۱۱؛ گئورگیفا و سیمون، در دست انتشار؛ Farell, 2011, pp.94-95)

۳-۲. نظام تناسبی مبتنی بر اعضای مختلط^۹

نوع دیگر نظام‌های انتخاباتی مختلط، نظام تناسبی مبتنی بر اعضای مختلط است. این نظام هم مثل نظام موازی از دو جز اکثریتی و تناسبی تشکیل شده است (لاندل، ۱۳۸۹، ص ۱۱۸). با این حال، در این نظام، برخلاف نظام انتخاباتی موازی، این دو جز به طور مستقل و به موازات هم عمل نمی‌کنند، بلکه در این نظام بخش تناسبی نظام تلاش می‌کند تا میزان غیر تناسبی بودن نتایج بخش اکثریتی نظام را تعدیل کند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۹۹). به عنوان مثال چنانچه حزبی ۱۰ درصد آرا را در سطح ملی کسب کند اما در بخش اکثریتی موفق به کسب کرسی نشود بر اساس بخش تناسبی نظام، به تناسب آرای که به دست آورده است کرسی دریافت می‌کند (Amy, 2000, p.86).

۳-۴. سایر نظام‌های انتخاباتی

علاوه بر نظام‌های انتخاباتی پیش گفته تعداد دیگری نظام انتخاباتی هم وجود دارد که به طور کامل در هیچ یک از سه نوع نظام انتخاباتی فوق قرار نمی‌گیرند. در واقع، این نظام‌ها دارای ویژگی‌های منحصر به فردی هستند که باعث می‌شود نتوان آن‌ها را در زمره نظام‌های اکثریتی، تناسبی و مختلط جای داد (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۰۵). از جمله مهم‌ترین این نظام‌های انتخاباتی می‌توان به نظام انتخاباتی تک رای غیر قابل انتقال، نظام انتخاباتی رای محدود و نظام انتخاباتی مبتنی بر شمارش بوردا اشاره کرد.

۳-۴-۱. نظام انتخاباتی تک رای غیر قابل انتقال^{۱۰}

این نظام انتخاباتی، نظامی کاندیدا محور بوده و در آن هر رای دهنده یک حق رای دارد. بنابراین هر رای دهنده فقط می‌تواند به یک کاندیدا رای دهد (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱،

ص ۱۰۶). با این حال در این نظام انتخاباتی وسعت حوزه‌های انتخابیه بیش از یک است، یعنی از هر حوزه انتخابیه بیش از یک نماینده انتخاب می‌گردد (لاندل، ۱۳۸۹، ص ۱۲۳). نحوه انتخاب نمایندگان هم بر اساس فرمول اکثریتی ساده صورت می‌گیرد، یعنی کاندیداهایی که در یک حوزه بیش از سایرین رای بیاورند کرسی‌های آن حوزه را به خود اختصاص خواهند داد (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۰۶)

۳-۴-۲. نظام انتخاباتی رای محدود^{۱۱}

وسعت حوزه انتخابیه در نظام انتخاباتی رای محدود هم بیش از یک است، یعنی در این نظام هم حوزه‌های انتخابیه چند نماینده‌ای هستند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۰۸؛ لاندل، ۱۳۸۹، ص ۱۳۰). با این حال، در نظام انتخاباتی رای محدود، برخلاف نظام قبلی، رای دهندگان بیش از یک حق رای اما کمتر از تعداد کاندیداهایی که باید انتخاب شوند دارند. مثلاً اگر قرار است از یک حوزه انتخابیه پنج نماینده انتخاب شود، رای دهندگان آن حوزه سه یا چهار حق رای دارند. نحوه انتخاب نمایندگان در این نظام تفاوتی با نحوه انتخاب نمایندگان در نظام تک رای غیر قابل انتقال ندارد و انتخاب نمایندگان بر اساس فرمول اکثریتی ساده صورت می‌گیرد (پیشین).

۳-۴-۳. نظام انتخاباتی مبتنی بر شمارش بوردا^{۱۲}

آخرین و منحصر به فردترین نظام انتخاباتی، نظام مبتنی بر شمارش بوردا است. این نظام یک نظام الویت دهی یا یک نظام ترجیحی محسوب می‌شود، به این معنا که در این نظام رای دهندگان به مانند نظام رای بدیل اسامی کاندیداها را به ترتیب الویت مورد نظر خود مرتب می‌کنند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۰۹). این نظام را می‌توان هم در مناطقی که وسعت حوزه‌های انتخابیه در آن‌ها یک است و هم در مناطقی که وسعت حوزه‌های انتخابیه در آن‌ها بیش از یک است به کار برد (Farell, 2011, p.66). تنها کشوری که از این نظام البته به شکل اصلاح شده آن استفاده می‌کند کشور کوچک نائورو در اقیانوس آرام است.

۴. نظام انتخاباتی در ایران پس از انقلاب اسلامی

در این بخش تلاش خواهد شد تا بر اساس مطالب پیش گفته نوع نظام انتخاباتی به کار گرفته شده در انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال‌های پس از انقلاب مشخص گردد. سابقه

برگزاری نخستین انتخابات مجلس در ایران به سال‌های پس از انقلاب مشروطه باز می‌گردد. البته بایستی اشاره شود که از آن زمان تا پیش از انقلاب اسلامی، به جز چندین دوره محدود، انتخابات آزاد و رقابتی وجود نداشت. این امر به ویژه در مورد دوره پهلوی صادق بود. در این دوره هر چند انتخابات برگزار می‌شد، اما این انتخابات‌ها به هیچ وجه آزاد و رقابتی نبودند. به طور کلی، در این دوره به جز چند مجلس شکل گرفته در اوایل مشروطه و نیز مجالسی که در اوایل دوران سلطنت پهلوی دوم یعنی از سال ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۳۲ شکل گرفتند، سایر مجالس کاملاً مطیع نهاد سلطنت بودند و هر چند در این دوره انتخابات برگزار می‌شد اما این امر بیشتر جنبه صوری و غیر آزاد داشت و حتی در مقاطعی تنها افرادی به عنوان نماینده معرفی می‌شدند که شاه از پیش آن‌ها را معرفی بود (کواکبیان، ۱۳۸۳، صص ۳۴-۳۷؛ Alem, 2009, p.40).

با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ تحول سیاسی عظیمی در ایران ایجاد شد. در نتیجه این انقلاب نظام دیرپای پادشاهی سرنگون شد و برای نخستین بار در طول تاریخ ایران و شاید تاریخ دنیای مدرن یک نظام سیاسی که در صدد تلفیق آموزه‌های دینی و اصول دموکراسی بود، بر سرکار آمد. این نظام سیاسی جدید «جمهوری اسلامی» نامیده شد. در واقع، این انقلاب تلاش داشت بین مردم سالاری (دموکراسی) و دین سالاری (تئوکراسی) پیوند برقرار کند، به همین دلیل نتیجه و برآیند آن یک نظام سیاسی بی‌بدیل بود. هر چند نظام سیاسی جدید بر پایه آموزه‌های دینی بنیان نهاده شده بود اما بنیانگذاران این نظام از همان ابتدا اعلام نمودند که در نظام سیاسی جدید انتخاب مسئولان عالی از طریق انتخابات خواهد بود. به همین دلیل، در همان سال‌های نخست پیروزی انقلاب چندین انتخابات و همه‌پرسی (رفراندوم) برگزار شد. طبیعی بود که با تأکیدی که نظام سیاسی جدید بر ویژگی مردمی بودن خود داشت مجلس شورا در این نظام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد. به همین دلیل بلافاصله پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی و نیز تصویب قانون اساسی که بخش قابل توجهی از مفاد آن به مجلس شورا اختصاص یافته بود، تلاش‌ها برای تدوین قانون انتخابات مجلس، برگزاری انتخابات، و تشکیل مجلس شورا آغاز شد (Alem, 2009, p.42). در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی سه قانون انتخابات به تصویب رسید.

در نخستین قانون انتخابات که در سال ۱۳۵۸ توسط شورای انقلاب به تصویب رسید، برگه‌های رای دارای ساختاری کاندیدا محور بودند. به عبارت دیگر، بر اساس این قانون،

رای دهندگان موظف بودند در برگه‌های رای دهی‌ای که در اختیارشان قرار می‌گرفت صرفاً نام یک یا چند کاندیدا را بنویسند (سائلی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۰). همچنین بر اساس این قانون، وسعت حوزه‌های انتخابیه در سطح کشور متفاوت بود. به عبارت دیگر، از برخی حوزه‌های انتخابیه فقط یک نماینده به مجلس شورای اسلامی راه می‌یافت و بنابراین وسعت این حوزه‌ها یک بود، در حالی که از سایر حوزه‌های انتخابیه بیش از یک نماینده به مجلس راه می‌یافتند و از این رو وسعت این دسته از حوزه‌های انتخابیه بیش از یک بود. در عین حال، در بین حوزه‌های انتخابیه نوع دوم نیز به لحاظ وسعت، تنوع و تفاوت وجود داشت (سائلی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۶؛ Alem, 2009, p.43). از طرف دیگر، در نخستین قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال‌های پس از انقلاب، فرمول انتخاباتی مورد استفاده برای گزینش نمایندگان یک فرمول اکثریتی می‌باشد. بر اساس ماده ۴ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب شورای انقلاب «انتخابات مجلس مستقیم و عمومی است و انتخابات نمایندگان با رای مخفی و اکثریت مطلق خواهد بود». همچنین مطابق ماده ۷ این قانون، «انتخاب نمایندگان در مرحله اول با اکثریت مطلق آرا و در مرحله دوم با اکثریت نسبی خواهد بود» (کواکبیان، ۱۳۸۳، ص ۳۸). این امر بدان معنا بود که کاندیداهایی که در دور اول نصف به علاوه یک کل آرای حوزه انتخابیه خود را به دست می‌آوردند مستقیماً به مجلس راه می‌یافتند. اما چنانچه در دور اول کاندیدایی اکثریت مطلق آرا را کسب نمی‌کرد یا تعداد کاندیداهایی که اکثریت مطلق آرا را کسب کرده بودند کمتر از تعداد مورد نیاز بود، یک مرحله دوم برگزار می‌شد و در این مرحله کاندیداهایی که بیش از سایر کاندیداها رای کسب می‌کردند به مجلس راه می‌یافتند. بنابراین در هر دو مرحله فرمول انتخاباتی یک فرمول اکثریتی بود، یعنی کاندیداهایی به مجلس راه می‌یافتند که اکثریت آرا (در مرحله اول اکثریت مطلق آرا و در مرحله دوم اکثریت نسبی آرا) را از آن خود می‌ساختند.

در نخستین قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، حد نصاب مشخصی برای انتخاب نمایندگان تعیین شده بود. به عبارت دیگر، کاندیداها برای ورود به مجلس ضرورتاً بایستی میزان مشخصی رای به دست می‌آوردند. حد نصاب تعیین شده برای مرحله اول انتخابات، نصف به علاوه یک کل آرای ماخوذه در هر حوزه انتخابیه بود، یعنی یک کاندیدا در صورتی در همان مرحله اول به مجلس راه می‌یافت که موفق به کسب نصف به علاوه یک کل آرای رای دهندگان حوزه انتخابیه خود می‌شد. بر اساس اصل ۷ قانون انتخابات مصوب ۱۳۵۸ «نمایندگان

مجلس شورای ملی در مرحله اول با اکثریت مطلق آرا (نصف به علاوه یک کل آرای ماخوذه در هر حوزه انتخابیه) انتخاب می‌شوند» (کواکبیان، ۱۳۸۳، ص ۳۸). البته حد نصاب مذکور مختص مرحله نخست انتخابات بود و در مرحله دوم انتخابات این حد نصاب حذف می‌شد. به این معنا که در این مرحله کاندیداها صرفاً با کسب آرای بیشتر نسبت به رقبای خود به پارلمان راه می‌یافتند. این مسئله در قسمت دوم ماده ۷ مورد تأکید قرار گرفته بود.

به طور کلی، با توجه به ویژگی‌های فوق می‌توان گفت که نظام انتخاباتی مطرح شده در نخستین قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی یک نظام انتخاباتی دو مرحله‌ای است که یکی از انواع نظام‌های اکثریتی محسوب می‌شود.

دومین قانون انتخابات در سال ۱۳۶۲ و توسط مجلس شورای اسلامی دوره اول به تصویب رسید. در دومین قانون انتخابات نیز همانند قانون انتخابات قبلی، ساختار برگه‌های رای دهی کاندیدا محور بود. به عبارت دیگر، بر اساس این قانون نیز رای دهندگان موظف به نوشتن نام یک یا چند کاندیدا در برگه‌های رای دهی بودند (سائلی، ۱۳۷۸، ص ۳۶۶). همچنین در این قانون مثل قانون انتخابات نخست، وسعت حوزه‌های انتخابیه در سطح کشور متنوع بود و درحالی که از برخی از حوزه‌های انتخابیه فقط یک نماینده انتخاب می‌شد و بنابراین وسعت این حوزه‌ها یک بود، از سایر حوزه‌های انتخابیه بیش از یک نماینده انتخاب می‌شد و از این رو وسعت آن‌ها بیش از یک بود (سائلی، ۱۳۷۸، ص ۳۷۰؛ کواکبیان، ۱۳۸۳، ص ۴۹).

در قانون انتخابات مصوب ۱۳۶۲، فرمول انتخاباتی مورد استفاده برای گزینش نمایندگان مجلس شورای اسلامی (چه در مرحله اول انتخابات و چه در مرحله دوم) یک فرمول اکثریتی بود. بر اساس ماده ۸ قانون انتخابات مصوب ۱۳۶۲، «انتخاب نماینده در مرحله اول منوط به کسب اکثریت مطلق آرا و در مرحله دوم با کسب اکثریت نسبی به هر میزان است». در تاریخ ۹ اسفند ۱۳۶۲ این ماده به این صورت اصلاح شد «انتخاب نماینده در مرحله اول منوط به کسب اکثریت حداقل یک سوم کل آرا و در مرحله دوم با کسب اکثریت نسبی به هر میزان است» (کواکبیان، پیشین). همانگونه که مفاد ماده ۸ (چه پیش از اصلاح و چه پس از اصلاح) نشان می‌دهد، فرمول انتخاباتی مورد استفاده یک فرمول اکثریتی است: یعنی در مرحله اول کاندیداهایی که اکثریت آرا (ابتدا اکثریت مطلق آرا و پس از اصلاح قانون، اکثریت یک سوم آرا) را کسب می‌کردند به مجلس راه می‌یافتند، و در مرحله دوم هم کاندیداهایی که اکثریت نسبی آرا را به دست آورند به عنوان نماینده حوزه انتخابیه خود برگزیده می‌شدند.

در قانون انتخابات مصوب ۱۳۶۲ همچنین حد نصاب مشخصی برای ورود به پارلمان در نظر گرفته شده بود (سائلی، ۱۳۷۸، ص ۳۷۹؛ Alem, 2009, p.10). این حد نصاب همانطور که اشاره شد، در ابتدا همانند قانون انتخابات اول، کسب نصف به علاوه یک آرا بود، یعنی کاندیداها برای ورود مستقیم به مجلس در مرحله اول نیاز به کسب حداقل نصف به علاوه یک کل آرای ماخوذه در حوزه انتخابیه خود داشتند. اما در تاریخ ۹ اسفند ۱۳۶۲ این حد نصاب کاهش یافت و به یک سوم کل آرا تغییر نمود. به عبارت دیگر، کاندیداها برای ورود مستقیم به مجلس در مرحله نخست انتخابات نیازمند کسب حداقل یک سوم کل آرای حوزه انتخابیه خود بودند. البته برای مرحله دوم انتخابات حد نصاب مشخصی در نظر گرفته نشده بود، یعنی هر کاندیدایی که بیش از سایرین رای به دست می‌آورد به عنوان نماینده حوزه انتخابیه خود برگزیده می‌شد (سائلی، ۱۳۷۸، ص ۳۸۰؛ کواکبیان، ۱۳۸۳، ص ۵۲).

به طور کلی، بر اساس ویژگی‌های فوق می‌توان گفت نظام انتخاباتی برآمده از دومین قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی که در سال ۱۳۶۲ به تصویب رسید نیز یک نظام انتخاباتی دو مرحله‌ای بود.

سومین قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۸ و توسط مجلس پنجم به تصویب رسید (شورای نگهبان، ۱۳۹۰، ص ۱؛ Alem, 2009, p.14). نظام انتخاباتی برآمده از این قانون انتخابات نیز تا حدود زیادی شبیه نظام انتخاباتی برآمده از قوانین انتخابات اول (مصوب ۱۳۵۸) و دوم (مصوب ۱۳۶۲) بود. در قانون انتخابات سوم نیز برگه‌های رای دهی دارای ساختاری کاندیدا محور بودند. در واقع بر اساس این قانون، رای دهندگان هر حوزه انتخابیه موظف بودند در برگه‌های رای دهی که در زمان انتخابات در اختیارشان قرار می‌گرفت صرفاً به کاندیداها رای بدهند و نه به احزاب سیاسی (کواکبیان، ۱۳۸۳، ص ۷۲). همچنین بر اساس قانون انتخابات سوم، حوزه‌های انتخابیه در سطح کشور به لحاظ وسعت دارای تنوع و تفاوت بودند. به این معنا که به برخی از حوزه‌های انتخابیه صرفاً یک کرسی اختصاص داده شده بود، در حالی که وسعت سایر حوزه‌ها بیش از یک بود، یعنی تعداد کرسی‌ها و نمایندگان اختصاص یافته به این حوزه‌ها بیشتر از یک بود (شورای نگهبان، ۱۳۹۰، ص ۵).

در این قانون انتخابات، فرمول انتخاباتی مورد استفاده برای گزینش نمایندگان مجلس، همچون فرمول انتخاباتی مورد استفاده در دو قانون انتخابات قبلی، یک فرمول اکثریتی بود. بر اساس ماده ۸ قانون انتخابات مصوب ۷ آذر ۱۳۷۸ «انتخابات نماینده در مرحله اول منوط

به کسب اکثریت حداقل یک سوم آرا و در مرحله دوم و همچنین انتخابات میان دوره‌ای با اکثریت نسبی به هر میزان است». البته بر اساس تغییری که در تاریخ ۱۳ دی ۱۳۷۸ در این ماده ایجاد شد، کسب حداقل یک سوم آرا در مرحله اول به کسب حداقل یک چهارم آرا تبدیل گشت. بنابراین فرمول انتخاباتی مورد استفاده در هر دو مرحله انتخابات و نیز انتخابات‌های میان دوره‌ای یک فرمول اکثریتی بود.

در این قانون انتخابات همچنین حدنصاب مشخصی برای انتخاب نمایندگان تعیین شده بود، به این معنا که کاندیداها برای ورود به مجلس ضرورتاً می‌بایست حداقلی از آرای حوزه انتخابیه را به خود اختصاص می‌دادند. البته این حد نصاب مختص مرحله اول انتخابات بود و در مرحله دوم این حد نصاب حذف می‌شد. حد نصاب انتخاباتی تعیین شده برای مرحله اول انتخابات در ابتدا یک سوم کل آرای ماخوذه در هر حوزه انتخابیه بود (یعنی یک کاندیدا صرفاً در صورتی در همان مرحله اول انتخابات به مجلس راه می‌یافت که حداقل یک سوم کل آرای رای دهندگان حوزه انتخابیه خود را کسب می‌کرد) اما در نتیجه اصلاحات صورت گرفته، این حد نصاب به یک چهارم کل آرای حوزه انتخابیه کاهش یافت (یعنی یک کاندیدا برای پیروزی در انتخابات در همان مرحله نخست، نیازمند کسب حداقل یک چهارم کل آرای حوزه انتخابیه خود بود). البته همانطور که اشاره شد، در مرحله دوم انتخابات و همچنین در انتخابات‌های میان دوره‌ای این حد نصاب حذف می‌شد و کاندیداها صرفاً با کسب آرای بیشتر نسبت به رقبای خود، به مجلس شورای اسلامی راه پیدا می‌کردند (شورای نگهبان، ۱۳۹۰، ص ۵).

با توجه به ویژگی‌های پیش گفته، می‌توان گفت نظام انتخاباتی برآمده از سومین قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز، همچون نظام انتخاباتی برآمده از دو قانون انتخابات قبلی، یک نظام دو مرحله‌ای است.

با توجه به آنچه اشاره شد می‌توان گفت در تمامی انتخابات‌های مجلس شورای اسلامی که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی برگزار شده از نظام انتخاباتی واحدی استفاده شده است. به عبارت دیگر، نظام انتخاباتی برآمده از سه قانون انتخابات تصویب شده در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام انتخاباتی دو مرحله‌ای بوده است. در تمامی این قوانین انتخابات، سه جزء از چهار جزء نظام انتخاباتی همواره ثابت بوده و تغییری نکرده است، و تنها یک جزء دچار تغییر و تحول شده است. سه جزئی که در تمامی قوانین انتخابات تصویب شده پس از انقلاب تغییر نکرده‌اند عبارت بوده‌اند از: ساختار برگه‌های رای دهی،

وسعت حوزه‌های انتخابیه و فرمول انتخاباتی مورد استفاده. تنها جزئی از نظام انتخاباتی که در سه قانون انتخابات مذکور دچار تغییر و تحول شد، حد نصاب انتخاباتی (یعنی حداقل آرای که یک کاندیدا برای ورود به پارلمان ملزم به کسب آن می‌باشد)، بوده است. در قانون انتخابات مصوب ۱۳۵۸ این حد نصاب برای مرحله اول انتخابات نصف به علاوه یک آرا بود، در دومین قانون انتخابات پس از انقلاب، مصوب ۱۳۶۲، این حد نصاب تغییر کرد و به یک سوم کل آرا تقلیل یافت، در سومین قانون انتخابات، حد نصاب تعیین شده باز هم کاهش یافت و به یک چهارم کل آرا رسید.

بنابراین به طور خلاصه می‌توان گفت نظام انتخاباتی به کار گرفته شده برای برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال‌های پس از انقلاب نظام انتخاباتی دو مرحله‌ای بوده است. این نوع نظام انتخاباتی همچنان که اشاره شد، از جمله نظام‌های اکثریتی محسوب می‌شود.

جمع‌بندی

همانگونه که در بخش نخست مقاله حاضر بیان شد احزاب سیاسی از جمله مهم‌ترین نهادهای سیاسی در نظام‌های دموکراتیک هستند. با این حال علیرغم اهمیت احزاب سیاسی، در ایران هیچگاه احزاب سیاسی قدرتمند و کارآمد که بتوانند کارویژه‌های حزبی را به خوبی انجام دهند شکل نگرفته است. در واقع، در ایران ما شاهد ضعف احزاب سیاسی و اصولاً فقدان احزاب سیاسی به معنای واقعی هستیم. اشاره شد که این که این ضعف می‌تواند دلایل متفاوت سیاسی، روانشناختی، اجتماعی، فرهنگی و غیره داشته باشد. با این حال یکی از عواملی که از نظر محققین و صاحب نظران مسایل دموکراسی و احزاب سیاسی اهمیت زیادی دارد، اما در ایران کمتر به آن توجه شده است، نوع نظام انتخاباتی به کار رفته برای برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی است. به عبارت دیگر، بر اساس ادبیات موجود و تحقیقات صورت گرفته در این زمینه می‌توان نظام انتخاباتی را یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد کننده این وضعیت دانست. یکی از محققینی که در این رابطه تحقیقات گسترده‌ای صورت داده است دیوید فارل می‌باشد. فارل در کتاب «نظام‌های انتخاباتی»، نظام‌های انتخاباتی را به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌کند:

(الف) نظام‌های انتخاباتی کاندیدا محور، (ب) نظام‌های انتخاباتی حزب محور

به اعتقاد فارل هر کدام از این نظام‌های انتخاباتی تأثیر و پیامدهای متفاوتی برای ضعف یا قوت و یا اصولاً وجود یا عدم احزاب سیاسی در یک کشور خواهد داشت. به بیان فارل در کشورهایی که از نظام‌های دسته اول، یعنی نظام‌های انتخاباتی کاندیدا محور، استفاده

می‌کنند احزاب سیاسی یا اصولاً وجود ندارند و یا اینکه بسیار ضعیف و ناتوان هستند به گونه‌ای که نمی‌توانند در عرصه سیاسی نقش چندانی ایفا کنند. دلیل این مسئله آن است که در این نوع از نظام‌های انتخاباتی، فعالیت در قالب احزاب سیاسی برای بازیگران سیاسی هزینه برتر و کم سودتر از فعالیت به شکل مستقل است، بنابراین بازیگران سیاسی تمایل و رغبتی برای فعالیت در قالب احزاب سیاسی ندارند و این مسئله باعث تضعیف و یا عدم شکل‌گیری احزاب سیاسی خواهد شد. در مقابل، در کشورهایی که از نظام‌های انتخاباتی دسته دوم، یعنی نظام‌های انتخاباتی حزب محور، استفاده می‌کنند احزاب سیاسی تقویت خواهند شد و نقش آن‌ها در عرصه سیاسی افزایش خواهد یافت. دلیل این امر آن است که در این نوع از نظام‌های انتخاباتی، فعالیت در قالب احزاب سیاسی برای بازیگران سیاسی پرسودتر و کم هزینه‌تر از فعالیت در خارج چارچوب و قالب احزاب سیاسی می‌باشد. بنابراین، بازیگران سیاسی فعال در این کشورها انگیزه و تمایل زیادی برای تأسیس احزاب سیاسی و فعالیت در قالب آن‌ها دارند و این مسئله در نهایت باعث تقویت و ارتقای جایگاه و نقش احزاب سیاسی در عرصه سیاسی خواهد شد. فارل بیان می‌کند که تحقیقات صورت گرفته در این زمینه نیز صحت مدعای فوق را اثبات می‌کنند و نتایج این تحقیقات حاکی از توانمندی و قدرت بالای احزاب سیاسی در کشورهایی که از نظام‌های انتخاباتی حزب محور استفاده می‌کنند و ناکارآمدی و ضعف احزاب سیاسی در کشورهایی است که از نظام‌های انتخاباتی کاندیدا محور بهره می‌برند، است (Farell, 2011, pp.156-178). به همین دلیل دیوید فارل به طراحان نظام‌های انتخاباتی (بویژه در کشورهای در حال توسعه) توصیه می‌کند که در زمان طراحی نظام انتخاباتی کشور خود، به مسئله کاندیدا محور یا حزب محور بودن نظام انتخاباتی توجه ویژه‌ای داشته باشند (Farell, 2011, p.180).

همچنین پپا نوریس در کتاب «مهندسی انتخاباتی» با مطالعه نوع نظام انتخاباتی و نظام حزبی در تعداد زیادی از کشورهای جهان به این نتیجه می‌رسد که ارتباطی تنگاتنگ بین نوع نظام انتخاباتی به کار رفته در یک کشور و وضعیت احزاب سیاسی در آن کشور وجود دارد. به اعتقاد او در کشورهایی که از نظام‌های انتخاباتی اکثریتی که کاندیدا محور هستند استفاده می‌کنند هم تعداد احزاب سیاسی کمتر است و هم احزاب ضعیف‌تر و نقش آن‌ها کم رنگ‌تر است. برعکس، در کشورهایی که از نظام‌های انتخاباتی تناسبی که حزب محور هستند استفاده می‌کنند هم تعداد احزاب سیاسی بیشتر است و هم احزاب قدرتمندتر و

کارآمدتر (Norris, 2004, pp.100-107). نوریس همچنین عنوان می‌کند در کشورهای که دارای نظام انتخاباتی اکثریتی بوده‌اند ولی آن را به یک نظام تناسبی تغییر داده‌اند، شاهد شکل‌گیری احزاب سیاسی قدرتمند بوده‌ایم. (Norris, 2004, p.108).

در ایران نیز همانطور که در قسمت قبلی اشاره شد، نظام انتخاباتی دو مرحله‌ای که در سال‌های پس از انقلاب اسلامی برای برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی به کار گرفته شد، یکی از مهم‌ترین اشکال نظام‌های کاندیدا محور محسوب می‌شود. بنابراین می‌توان یکی از مهم‌ترین دلایل ضعف یا فقدان احزاب سیاسی کارآمد در ساختار سیاسی ایران را نظام انتخاباتی به کار گرفته شده در سال‌های پس از انقلاب (یعنی نظام انتخاباتی دو مرحله‌ای) دانست.

بنابراین، بر اساس ادبیات موجود در رابطه با پیوند نظام‌های انتخاباتی و نظام‌های حزبی می‌توان گفت نظام انتخاباتی دو مرحله‌ای یکی از مهم‌ترین موانع شکل‌گیری احزاب قدرتمند و کارآمد در ایران بوده است. از این رو، با تغییر نظام انتخاباتی موجود و انتخاب یک نظام انتخاباتی حزب محور می‌توان تا حد زیادی زمینه را برای ظهور احزاب قدرتمند و پویا فراهم نمود. البته این بدان معنا نیست که نظام انتخاباتی تنها عامل اثرگذار بر وضعیت نظام حزبی است، بلکه بدان معناست که نظام انتخاباتی یکی از مهم‌ترین عوامل شکل دهنده به وضعیت فعلی احزاب سیاسی در ایران است. در واقع نظام انتخاباتی مناسب شرط لازم و نه کافی برای ظهور احزاب سیاسی و نظام حزبی قدرتمند است.

یادداشت‌ها

- 1 First- past- the- post
- 2 Block Vote
- 3 Party Block Vote
- 4 Alternative vote
- 5 Two round system(
- 6 List proportional System
- 7 Single transferable vote System
- 8 parallel System
- 9 Mixed member Proportional
- 10 Single non- transferable vote
- 11 Limited vote
- 12 Borda Count System

- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۸۲ الف). اکثریت چگونه حکومت می‌کند؟، تهران: سروش.
- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۸۲ ب). پیدایی و پایایی احزاب سیاسی در غرب، تهران: سروش.
- دورژه، موریس (۱۳۸۹). اصول علم سیاست، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: امیرکبیر.
- رینولدز، آندرو؛ بن رایلی و دیگران (۱۳۹۱). دانشنامه نظام‌های انتخاباتی، مترجم ابوذر رفیعی قهساره، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سائلی کرده ده، مجید (۱۳۷۸). سیر تحول قوانین انتخاباتی در ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شورای نگهبان (۱۳۹۰). مجموعه قوانین انتخابات مجلس شورای اسلامی، تهران: انتشارات اداره کل امور انتخابات شورای نگهبان.
- فارل، دیوید (۱۳۹۰). نظام‌های انتخاباتی، احزاب و رای دهندگان، ترجمه ابوذر رفیعی قهساره، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- کواکبیان، مصطفی (۱۳۸۳). گفتمان آزادی و مردم‌سالاری، تهران: پازینه.
- گئورگیفا، واسیا؛ ریتا. ج. سیمون (در دست انتشار) انتخابات و رای دهی در سرتاسر جهان، ترجمه ابوذر رفیعی قهساره و علیرضا سمیعی اصفهانی، تهران: کویر.
- لاندرل، کریستر (۱۳۸۹). عوامل موقعیتی‌گزینش نظام انتخاباتی: مطالعه مقایسه‌ای کلان، ترجمه علیرضا عیاری، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۱). احزاب سیاسی و نظام‌های حزبی، تهران: نشر گستره.
- هیوود، اندرو (۱۳۸۹). سیاست، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نشر نی.

- Alem, yasemin (2011). *Duality by Design: the Iranian Electoral System*. International Foundation for Electoral Systems
- AMY, DOUGLAS. J. (2000). *Behind the Ballot Box: A Citizen's Guide to Voting Systems*. Prager
- Caramani, Daniele (2008). "party systems", in *Comparative Politics*, Eds, Daniele Caramani, Oxford University Press, USA
- Colomer, Joseph (2004). "Handbook of Electoral system Choice", Palgrave- Macmillan
- Evans, Jocelyn (2004). *voters and voting*, SAGE Publications Ltd
- FARREL, DAVID (2011). *electoral Systems: A Comparative Introduction*. Palgrave Macmillan
- Gallagher, Michael; Paul Mitchell (2008). *The Politics of Electoral systems*. Oxford University press
- KATZ, RICHARD (2007). *A theory Of Parties and the Electoral Systems*. The Johns Hopkins University Press

- KEMAN, HANS (2011). "Political Parties", in the Encyclopedia of Political Science Eds, George Thomas Kurian, CQ Press
- Lijphart, Arend (1986). *Electoral Laws and Their Political Consequences*. Agathon Press
- Lijphart, Arend (1995). *Electoral Systems and Party Systems: A Study of Twenty-seven Democracies, 1945-1990*. Oxford University Press, USA
- Neto, Octavio Amorim and Gary W. Cox (1997). "Electoral Institutions, Cleavage Structures, and the Number of Parties". *American Journal of Political Science* Vol. 41, No. 1
- NORRIS, PIPPA (2004). *Electoral Engineering: Voting Rules and Political Behavior*. Cambridge University Press
- Rae, Douglas and Michael Taylor (1970). *The Analysis of Political Cleavages*, New Haven: Yale University Press
- Rae, Douglas W. (1971). *The Political Consequences of Electoral Laws*, New Haven: Yale University Press
- Reynolds, Andrew and layna Mosley (2002). "THE CONSEQUENCES OF ELECTORAL SYSTEMS: A GLOBAL STUDY", the Conference on the Consequences of Institutions in Democracy, Duke University
- Rocha Menocal, Alina (2011). *Why Electoral Systems Matter: An Analysis of their Incentives and Effects on Key Areas of Governance*, Overseas Development Institute, London
- Taagepera, Rein; Matthew shugart (1991). *The Effects and determinants of Electoral Systems*. Yale university press
- YON, RICHARD M. (2011). "Electoral Systems", in the Encyclopedia of Political Science Eds, George Thomas Kurian. CQ Press

